

سبش میزان بهره‌مندی از مهارت‌های ارتباطی، تفکری و پژوهشی در میان دانش‌آموزان پایه پنجم ابتدایی شهر تهران (سال تحصیلی ۹۰-۹۱)

مصطفی محماری، اسماعیل زارعی زورکی و فرزنده منیدی***

چکیده

پژوهش حاضر با هدف سنجش میزان بهره‌مندی از مهارت‌های ارتباطی، تفکری و پژوهشی در میان دانش‌آموزان پایه پنجم ابتدایی شهر تهران انجام شد. روش پژوهش از نوع توصیفی - پیمایشی بود. با استفاده از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چهار منطقه (شمال، مرکز، شرق و غرب) شهر تهران انتخاب شد و نمونه آماری این پژوهش ۲۸۵ (۱۴۵ دانش‌آموز پسر و ۱۴۰ نفر دانش‌آموز دختر) دانش‌آموز بودند. برای تجزیه و تحلیل اطلاعات از آمار توصیفی (فراوانی و میانگین) و استنباطی (آزمون t مستقل) استفاده شد. نتایج نشان داد که در مهارت‌های برقراری ارتباط درون فردی، تفکر انتقادی، تفکر خلاق و پژوهشی، دختران و پسران دانش‌آموز در حد متوسطی بودند، اما در کاربرد فناوری اطلاعات و ارتباطات زیر متوسط و در مهارت ارتباط بین فردی در سطح متوسط به بالا بودند. همچنین نتایج آزمون t مستقل نشان داد که در مهارت‌های بین فردی پسران به‌طور معناداری از دختران میانگین بالاتری داشتند ($p < 0/047$) و در تفکر خلاق دختران میانگین بالاتری نسبت به پسران داشتند ($p < 0/012$).

کلید واژه‌ها

مهارت‌های ارتباطی بین فردی؛ درون فردی؛ تفکر خلاق؛ تفکر انتقادی؛ پژوهشی؛ مهارت‌های یادگیری قرن بیست و یکم

* نویسنده مسئول: کارشناس ارشد آموزش ابتدایی دانشگاه علامه طباطبایی

m_mokhtari_110@yahoo.com

** استادیار دانشگاه علامه طباطبایی

*** استاد دانشگاه علامه طباطبایی

مقدمه

در هزاره سوم که عصر انفجار اطلاعات نامیده شده است، تصورات، تفکرات و شیوه‌های جدید در عرصه‌های علمی، صنعتی، اقتصادی و اجتماعی به تدریج جایگزین وضعیت در حال زوال شده است و وضعیت نوین در تمامی عرصه‌های بشری در حال شکل‌گیری و استقرار است. نظام تعلیم و تربیت نیز طبعاً از تحولات به وجود آمده در عرصه فناوری بی‌نصیب نبوده و ندای «انقلاب آموزشی» به مثابه یک ضرورت، فضای نظام‌های آموزشی و پرورش دنیا را پر کرده است (مهر محمدی، ۱۳۸۷). سؤال اینجاست که این دوره تغییرات سریع و روز افزون چه نوع انسانی را می‌طلبد یا به عبارتی دوره عصر انفجار اطلاعات به عنوان یک پدیده تمدنی چه نوع تعلیم و تربیتی (چه نوع انسانی) را نیاز دارد؟ بدیهی است که در این دوره دانش‌آموزان بیش از گذشته نیازمند آن هستند که در دنیای دائماً در حال تغییر آینده معمار و طراح جریان رشد و بالندگی خود باشند و این قابلیت اساسی در هزاره سوم (در سایه استقرار فناوری اطلاعات و ارتباطات) نیازمند تمرین و ممارست در نظام آموزشی است (مهر محمدی، ۱۳۷۹). در این دوران به دلیل فزونی دانش و اطلاعات در همه زمینه‌ها، دیگر برنامه‌ریزان نمی‌توانند در برنامه خود تمامی جنبه‌های دانشی را در نظر بگیرند، بلکه باید به قول دال^۱ (۲۰۰۶) (به نقل از خوی‌نژاد؛ ۱۳۸۷) مدرسه مهارت‌های لازم برای یادگیری این دانش و مهارت‌ها را در اختیار دانش‌آموزان قرار دهد تا آن‌ها خود به یادگیری دانش لازم برای زندگی خویش اقدام کنند و اینچنین راه یادگیری مادام‌العمر را برای آن‌ها هموار می‌کنند که با اتمام دوران تحصیل، یادگیری آن‌ها به پایان نمی‌رسد. هوست^۲ (۲۰۰۹) بیان می‌کند؛ یادگیری مادام‌العمر به این امر اشاره دارد که آموزش تنها به معنای انتقال دانش نیست، بلکه در فرایند یادگیری، فرد باید تولیدکننده دانش باشد و در برخورد با موقعیت‌ها توانایی ارزشیابی و انتخاب دانش خود را داشته و با استفاده خلاقانه از ابزار و دانش، موانع متقابل را از سر راه خود بردارد.

برای تبدیل شدن یادگیرندگان به عنوان یک یادگیرنده مادام‌العمر تعلیم و تربیت، باید یک

-
1. Dal
 2. Houst

سری مهارت‌ها را، که لازمه یادگیری سایر مهارت‌ها در این دوره است، به دانش‌آموزان یاد دهد تا بتوانند خود را با اوضاع پیوسته در حال تغییر وفق دهند که روزانه ممکن است اطلاعات قبلی منسوخ و با اطلاعات جدید جایگزین شود. امروزه شاهد آن هستیم که بیش‌تر دانش‌آموزش حرفه‌ای افراد مدت کمی پس از فارغ‌التحصیل شدن کهنه می‌شود، مگر اینکه آموزش او از طریق یادگیری جدی و مداوم بهنگام شود (مولانا، ۱۳۸۷). به همین دلیل متخصصان تعلیم و تربیت و برنامه‌ریزان درسی به جای انتقال حقایق علمی، پرورش و تقویت روش‌ها و نگرش‌های علمی را توصیه می‌کنند در واقع آن‌ها معتقد هستند که دانش‌آموزان به جای کسب حقایق علمی باید به روش کسب حقایق علمی توجه کنند (ماتوس، ۲۰۰۶). لطفی (۱۳۸۹) در پژوهشی بیان می‌کند که میزان توجه به سواد اطلاعاتی در درس بخوانیم و بنویسیم ابتدایی بسیار اندک است و در پژوهش میرزایی و قلتاش (۱۳۹۱) در رابطه با میزان توجه به آموزش شهروند جهانی در محتوای کتاب‌های اجتماعی مقطع ابتدایی انجام شده، مشخص شد که از این مفهوم در مقطع ابتدایی غفلت شده است. این نتایج نشان‌دهنده غفلت دست‌اندر کاران تعلیم و تربیت کشور ما از توجه به مهارت‌های یادگیری در این مقطع است و هر چند به پژوهش‌های که در چند سال گذشته در زمینه بهره‌مندی معلمان از مهارت‌های قرن بیست‌ویکم توجه شده است، اما به داشتن این مهارت‌ها در میان دانش‌آموزان توجه نشده است. در حالی که حلقه مهم، اما مفقوده تعلیم و تربیت در کشور ما آموزش ابتدایی است که اهمیت کم‌تری برای آن قائل هستند؛ درحالی‌که به گفته دال (۲۰۰۶)، تدوین برنامه‌های آموزشی باید از مقطع ابتدایی آغاز شود که فراگیران زمینه‌های لازم برای یادگیری دارند.

در تعلیم و تربیت قرن بیست و یکم با عنایت به تحولات و تغییرات مداوم و پیشرونده، ابزارها، مهارت‌ها و دانش تدوین می‌شود؛ چرا که هدف به روز ساختن دانش و مهارت کارآفرینی یادگیرندگان است (ابراهیمی قوام، ۱۳۸۶). به‌طور خلاصه می‌توان گفت، مهارت‌های یادگیری قرن بیست و یکم عمده‌ترین نقش بنیادی را بهبود بخشیدن به فرایندها در مدارس، برعهده دارد. با تسلط بر مهارت‌های یادگیری قرن بیست و یکم (مهارت‌های شناختی، ارتباطی و پژوهشی) یادگیرندگان بدون در نظر گرفتن سن، جنسیت و تبار اقتصادی-اجتماعی و در

حد تحصیلی خود می‌توانند - از طریق فعالیت ذهنی ناب - در بحر عمل معنادار و پرچالش یادگیری غوطه‌ور شوند و هر یک در غلطان متناسب با نیاز یادگیری خود را بیابند(مشایخ، ۱۳۸۶).

یادگیرندگان در این عرصه باید ظرفیت‌ها و صلاحیت‌های لازم را به‌عنوان یک شهروند متعهد، مسئول و آگاه کسب کنند که هم به لحاظ فردی و هم به لحاظ اجتماعی توانایی مواجهه با چالش‌ها و حل مسائل پیش‌رو را داشته باشند(ابراهیمی قوام، ۱۳۸۶). در واقع آموزش و پرورش در عصر اطلاعات و ارتباطات باید تعادلی بین رشد مهارت‌ها و سطوح مدرسه برقرار کند و از آنجا که آموزش ابتدایی از مهم‌ترین دوره‌های آموزشی در سراسر کشورهای جهان محسوب می‌شود، باید شروع این مهارت‌ها از این دوران انجام شود، چرا که پایه‌های شخصیتی و رفتاری انسان‌ها را بنیان می‌گذارد(مفیدی، ۱۳۸۳). توجه به این نکته ضروری است که مقطع ابتدایی از سرنوشت‌سازترین مقاطع تحصیلی است و هرگونه اصلاح کمی و کیفی باید از این مقطع تحصیلی آغاز شود و اصولاً بی‌توجهی به برنامه‌های اصلاحی آموزش و پرورش از قاعده به سوی رأس هرم آموزشی از دلایل شکست برنامه‌های اصلاحی نظام آموزش و پرورش کشور ما بوده است(آقا زاده، ۱۳۸۳). لذا ضرورت می‌یابد که آموزش این مهارت‌ها که لازمه زندگی در عصر دانایی است از دوره ابتدایی آغاز شود. و این پژوهش در پی بررسی این بود که دانش‌آموزان پایه پنجم ابتدایی شهر تهران تا چه حد از این مهارت‌ها (ارتباطی، تفکری و پژوهشگری) بهره‌مند هستند که لازمه زندگی در عصر اطلاعات و ارتباطات است.

با توجه به نظریه آوریل لاورس^۱ (به نقل از سلسیلی، ۱۳۸۸) نظام تعلیم و تربیت نسبت به گذشته، تغییرات بسیاری یافته و دنیای معاصر برای رویارویی با چنین نظامی به تغییر و بازسازی نیاز دارد. در گذار به عصر دیجیتال، مربیان انتخابی ندارند، زمان ایجاب می‌کند یا «مدرسه» ما باید تغییر کند یا به تدریج منسوخ خواهد شد. همان‌طور که پزشک باید از آخرین پژوهش‌های علم داروسازی برای تجویز دارو به بیمار و حقوقدان باید نسبت به آخرین قوانین وضع شده توسط قانون‌گذاران مطلع باشد، مدارس ما نیز باید نسبت به تازه‌ترین شیوه‌های

عمل در حوزه یاددهی - یادگیری و بهینه‌سازی یادگیری دانش‌آموزان مطلع و کوشا باشند. چنین گذاری ایجاب می‌کند تا معلمان و مدیران آموزشی خود به کارکنان دانش با مجموعه‌ای از مهارت‌های قرن بیست و یکم مجهز شوند (مشایخ، ۱۳۸۹). در همین راستا می‌توان به تحول محیط‌های یادگیری و مقایسه آن با محیط‌های یادگیری سنتی نیز اشاره کرد که جامعه بین‌المللی فناوری آن را در تعلیم و تربیت نشان داده است. بنابراین نظریه، آموزش نه تنها از این تغییرات مصون نمانده است، بلکه در کانون اصلی این تغییرات است. بسیاری از جوامع بیم آن دارند که نتوانند خود را با نیازهای روز افزون جوامع همگام کنند و از جوامع دیگر عقب بمانند. به این دلیل در بسیاری از کشورها برنامه‌های ملی و بنیادی در بخش آموزش و پرورش در زمینه دسترسی به فناوری به وسیله دولت پیش‌بینی شده و به اجرا گذاشته شده است؛ از جمله می‌توان به برنامه سواد اطلاعات و ارتباطات ایالت متحده امریکا، برنامه ملی یادگیری انگلستان و برنامه تحول در آموزش و پرورش کشورهای آلمان و فرانسه اشاره کرد (زمانی، ۱۳۸۳). در واقع یادگیرندگان برای موفقیت در عصر حاضر به کسب و یادگیری مهارت‌هایی نیاز دارند که با اهمیت‌ترین و ضروری‌ترین آن‌ها را می‌توان مهارت‌های تفکر خلاق و انتقادی، مهارت‌های سواد در عصر دیجیتال که همان استفاده از فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطی هستند، مهارت خلق محصولات جدید، گردآوری و سازماندهی اطلاعات (مهارت‌های پژوهشی) و بالاخره مهارت‌های ارتباط و تبادل اطلاعات (مهارت‌های ارتباطی) نام برد که هرکدام از آن‌ها تشریح خواهند شد (گروه متیری: لمکی و کوقلین، تادانی، مارتین، ۲۰۰۶).

مهارت ارتباطی یکی از این مهارت‌ها است که در این پژوهش به دو قسمت مهارت برقراری ارتباط درون فردی و میان فردی و مهارت کاربرد فناوری اطلاعات و ارتباطات (فاوا) تقسیم شده است و منظور از مهارت کاربرد فناوری اطلاعات و ارتباطات (فاوا) که نقش مهمی در زمینه‌های گوناگون ایفا می‌کند، در واقع فناوری اطلاعات و ارتباطات چهارچوب یا ساختاری به وجود می‌آورد که از این طریق کیفیت آموزش و پرورش ارتقا یافته، دانش‌آموزان و معلمان می‌توانند با استفاده از این فناوری به منابع یادگیری وسیعی دست یابند، انگیزه

یادگیری خود را افزایش دهند. دانش‌آموزان با کاربرد فناوری اطلاعات و ارتباطات قادر هستند ظرفیت‌های یادگیری، مهارت آموزشی و تجربه‌اندوزی خود را گسترش دهند و به‌عنوان یک یادگیرنده مستقل، با انگیزه و مادام‌العمر در عرصه‌های مختلف به مطالعه اقدام کنند (ابراهیمی قوام، ۱۳۸۶).

منظور از مهارت برقراری ارتباط (درون‌فردی و میان‌فردی) این است که ارتباط درون‌فردی، اعمال ذهنی خودآگاه انسان مانند تفکر، محاسبه و ارزیابی خود و دیگران و روابط میان خود و دیگران، برنامه‌ریزی، تخیل و یادآوری و همچنین اعمال ذهنی ناخودآگاه، مانند خواب دیدن را دربر می‌گیرد. لئونارد شدلستکی در کتاب «معنی و ذهن» از آنچه در درون هر فرد در فرایند ارتباط درون‌فردی می‌گذرد، فهرستی تهیه کرده است. به اعتقاد او ارتباط درون‌فردی موارد زیر را شامل می‌شود: ادراکات، خاطرات، تجارت، نگرش‌ها، نظرات، عقاید، احساسات، تدابیر، برداشت‌ها، تصورات، ارتباط‌ها، حالات ذهنی و ارزیابی‌ها. خودآگاهی عاملی است که موجب می‌شود، افکار ما به توانمندی‌ها و نقاط مثبت ما معطوف شود (گیل دیوید^۱ و همکاران، ۲۰۰۹). به‌طور کلی کسب مهارت خودآگاهی منشاء رفتارهای سازنده مفید، مسئولانه و احترام به خود است. در آموزش مهارت‌های زندگی برای اینکه کودک بتواند از خود ارزیابی مثبتی داشته باشد و خود را با ارزش بداند، باید از خصوصیات مثبت، توانایی‌ها، زیبایی‌ها و استعدادهای خود آگاه باشد و به آن‌ها ارج گذاشته و از این ویژگی‌ها احساس خوشحالی و رضایت کند.

مهارت ارتباط بین فردی نیز سبب آگاهی اجتماعی می‌شود و آگاهی اجتماعی به این امر اشاره دارد که با آگاهی فرد از احساسات، علائق و نیازهای دیگران سبب می‌شود موقعیت‌های مختلف را شناخته و از این منبع اطلاعات، برای برقراری ارتباط صحیح با دیگران استفاده کند (گل‌من^۲، ۲۰۱۰). اهمیت برقراری ارتباط در روزگار معاصر ناشی از سه منبع نیاز است که عبارت هستند از: نیازهای روزافزون به همکاری‌های گروهی (صفرزاده، کمالی، به نقل از عطاران ۱۳۸۳)؛ روند سریع جهانی‌شدن (نیاز به برقراری ارتباط با سایر شهروندان جوامع).

1. Gil David
2. Goleman

نیازهای روزافزون به حفظ و شناخت استعدادها. گاردنر^۱ (۲۰۰۰) هوش بین فردی را عبارت از توانایی پی‌بردن و پاسخ‌دادن به احساسات، سرشت‌ها و مقاصد دیگران می‌داند. روابط بین فردی مؤثر اهمیت بسیاری در ایجاد سلامت روانی، رشد شخصی، هویت‌یابی، افزایش بهره‌وری شغلی، افزایش خود شکوفایی دارد. این دو مهارت در دهه‌های اخیر نظریه‌های مختلفی را در زمینه برنامه‌داری به خود اختصاص داده‌اند، از قبیل نظریه انسان‌گرایانه که به مفهوم شخص در تعلیم و تربیت اشاره دارد یا نظریه ساخت‌وسازگرایی که به تعاملات دانش‌آموزان با یکدیگر یا با معلم در یادگیری اشاره دارد.

یکی دیگر از مهارت‌های این دوره مهارت تفکر نوآورانه و انتقادی است. آیزنر^۲ (۱۹۹۴) در مقاله‌ای تحت عنوان «نوع مدرسی که نیاز داریم» مشکلات مدارس امروز را یادآور می‌شود و می‌گوید: در مدارس امروز فقط بر مهارت‌های خواندن، نوشتن و حساب‌کردن تأکید می‌شود. در حالی که این مهارت‌ها ذاتاً دارای ارزش نبوده و در تعلیم و تربیت تهی از فضیلت هستند. مسئله این نیست که دانش‌آموزان بتوانند بخوانند، بلکه این است که آن‌ها چگونه می‌خوانند؟ ارزش مدارس در تربیت انسان‌های فرهیخته نهفته است. مدارس باید توانایی تفکر، به ویژه تفکر منطقی و خلاق دانش‌آموزان را در آنچه می‌بینند، می‌شنوند و می‌خوانند پرورش دهند، آن چنان که بتوانند حقایق را از استدلال‌ها تشخیص دهند. به‌ویژه در فرهنگ‌هایی که از هر سو تحت تأثیر اطلاعات مختلف قرار دارند، دانش‌آموزان باید در مدارس بیاموزند که چگونه یاد بگیرند، یا به‌عبارت بهتر، باید بیاموزند که معمار آموزش و پرورش خود باشند (شعبانی، ۱۳۸۴).

مهارت اساسی دیگر این عصر مهارت پژوهشگری است و باید دانش‌آموزان را مانند دانشمندان کوچکی تربیت کنیم که پیوسته در حال رشد و گسترش دانش خود باشند؛ چرا که یکی از ویژگی‌های اساسی انسان‌ها خصوصاً در دوران ابتدایی کنجکاوی است و ما باید این روحیه را به گونه‌ای پرورش دهیم که آن‌ها در این دوره رشد و تحول سریع و روزافزون علوم و تکنولوژی، دانش آموختگانی خلاق، نوآور و پژوهشگر بار آیند. دانش‌آموز پرسشگر و

جویای پژوهش آمال همه کوشش‌های سازمانی در حوزه‌های صف و ستاد نظام آموزشی است. بررسی مبانی نظری و نتایج پژوهش‌ها نشان داده است که صرف انتقال دانش به دانش‌آموزان کار ساز نیست، بلکه برای ارضای کنجکاوی دانش‌آموزان و رضایت آن‌ها در پی کشف کم و کیف پدیده‌ها و وقایع و اندوختن دانش می‌بایست از مهارت‌های لازم بهره‌مند باشند (قدمی، ۱۳۸۹). اسکوت و توماس^۱ (۲۰۱۰) به این مسئله اشاره کرده‌اند که برای پرورش روحیه پژوهشگری در دانش‌آموزان ابتدایی بهتر است از موضوعات و از مسائل جاری برگرفته شده از زندگی واقعی شروع کرد و اینکه دانش‌آموزان هر روز با مسائلی در زندگی مواجه می‌شوند که می‌تواند پایه‌ای برای پژوهش آن‌ها به شمار آیند. آن‌ها روش پژوهش دانش‌آموزان ابتدایی را کمی متفاوت‌تر از روش پژوهش دانشمندان و محققان معرفی می‌کنند.

نکته شایان توجه این است که این مهارت‌ها باید در قالب دروس و در کنار هم مطرح شوند، نه به این صورت که در هر پایه یک مهارت را قرار دهند. بلکه این مهارت‌ها در همه پایه‌ها متناسب با سطح یادگیری دانش‌آموزان قرار گیرد، تا در آخرین مقطع ابتدایی به بالاترین سطح خود برسد تا با تجارب دنیای واقعی یادگیرندگان آمیخته شده و صلاحیت آن‌ها را در مواجهه با شرایط آینده ارتقاء بخشد.

امروزه سواد به مفهوم قدیمی آن یعنی داشتن سواد خواندن و نوشتن و حساب کردن به کار نمی‌رود. سواد اطلاعاتی عبارت است از توانایی فهم، دسترسی و استفاده از اطلاعات و ارزیابی اعتبار و روایی آن. سواد اطلاعاتی این است که یادگیرندگان بتوانند اطلاعات را ارزیابی کنند، در زمان نیاز به اطلاعات، تشخیص دهند، ترکیب کنند و از آن به‌طور مؤثر استفاده کنند و این کار را با استفاده از تکنولوژی، شبکه‌های ارتباطی و منابع الکترونیکی انجام دهند (زارکی، ۱۳۸۰). بنابراین، شخص باسواد در قرن ۲۱، شخصی که سواد علمی و فناورانه دارد، سواد علمی و فناورانه؛ یک نگرش و مهارت جدید برای انجام‌دادن وظایف در جامعه جدید به‌شمار می‌آید. فرد با سواد علمی و فناورانه، ارزش اطلاعات را تشخیص داده و وقتی برای حل مشکلی، به اطلاعات نیازمند است، توانایی پیدا کردن و تحلیل آن‌ها را داشته و قادر است محتوای اطلاعات را با دید انتقادی ارزیابی کند؛ هم‌چنین استفاده از محتوای اطلاعاتی را به

درستی و با مهارت انجام می‌دهد و از طرفی، توانایی ایجاد محتوای کیفی را نیز دارد (ویلیام دی‌بنو، ۲۰۰۷). یک باسواد اطلاعاتی در مواجهه با اطلاعات از خود می‌پرسد، من چه چیزی می‌دانم، چگونه می‌توانم پاسخ‌ها را بیابم؟ چگونه می‌توانم اطلاعاتی را که پیدا کرده‌ام، سازمان دهم. پاسخ به سؤالاتی از این دست نیاز به توانایی فوق‌العاده‌ای در زمینه سواد اطلاعاتی دارد (انجل^۱، ۲۰۱۰). این توانایی و مهارت‌های پیش‌نیاز آن مانند آشنایی با سواد رایانه‌ای و فن‌آوری اطلاعات، داشتن تفکر تجزیه و تحلیل انتقادی و آشنایی با زبان انگلیسی (پریخ، ۱۳۸۹) از جمله مهارت‌های لازم برای زندگی در عصر فناوری اطلاعات و ارتباطات است.

به دلیل جدید بودن موضوع پژوهش، پژوهش‌گران در جستجو پژوهشی را نیافتند که تمامی این مهارت‌ها را بررسی کرده باشند، به همین دلیل به پژوهش‌هایی اشاره می‌شوند که با موضوع پژوهش مرتبط هستند و هر کدام یکی از مهارت‌ها را بررسی کرده‌اند؛ که از آن جمله می‌توان به پژوهش آلفاسی^۲ (۲۰۰۰) اشاره کرد که کاربرد فناوری اطلاعات در گسترش یادگیری را بررسی کرده و به این نتیجه یافته‌اند که پیشرفت‌های جهانی در فناوری اطلاعات و ارتباطات باعث گسترش سریع فرصت‌های یادگیری و دسترسی به منابع تحصیلی و آموزشی شده است و به‌کارگیری این فناوری جدید موجب تسریع و تسهیل فراوان در امر تعلیم و تربیت شده است. چوانگ^۳ (۲۰۰۹) پژوهشی با عنوان بررسی رابطه بین مهارت‌های تفکر انتقادی و سواد اطلاعاتی معلمان و تأثیر گنجانیدن برنامه درسی مبتنی بر فناوری‌های اطلاعاتی بر افزایش سواد اطلاعاتی آن‌ها در میان معلمان دبیرستانی در کشور تایوان انجام داده است؛ نتایج پژوهش نشان داد که بین مهارت‌های تفکر انتقادی و سواد اطلاعاتی رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. کولیس^۴ و همکاران در مطالعه‌ای که درباره رایانه‌ها و آموزش در چندین کشور انجام داده‌اند، به این نتیجه رسیده‌اند که اصلی‌ترین عامل تعیین‌کننده استفاده از فناوری اطلاعات در کلاس درس، مهارت معلم در استفاده از فناوری و نگرش مثبت او نسبت به

-
1. angel
 2. Alfassi
 3. Chung
 4. Collis

فناوری بوده است (کولیس و همکاران، به نقل از زمانی، ۱۳۸۳). در پژوهش دیگر که روبین ۱ در سال ۲۰۰۷، با هدف آموزش مهارت‌های ارتباطی میان ۴۰ نفر از معلمان دانشجوی مقطع کارشناسی انجام داد، این نتیجه به دست آمد که مهارت‌های ارتباطی این معلمان در امر کلاس‌داری بهبود یافته و نیز به ایجاد توازن و تعادل در نقش دوگانه این افراد کمک کرده است. لطفی (۱۳۸۹) پژوهشی با عنوان میزان توجه به سواد اطلاعاتی در درسنامه‌های بخوانیم و بنویسیم دوره ابتدایی انجام داد و متوجه شد که در دوره ابتدایی توجه به سواد اطلاعاتی بسیار پایین است و برنامه‌ریزان درسی باید بیش‌تر به گنجاندن این سواد در درس بخوانیم توجه کنند. محمدیان عمران (۱۳۸۹) در پژوهشی وضعیت موجود و مطلوب دانشجویان دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی دانشگاه علامه طباطبایی از نظر میزان بهره‌مندی از مهارت‌های قرن بیست و یکم را بررسی کرد و به این نتیجه رسید که بین وضعیت موجود و مطلوب دانشجویان از نظر بهره‌مندی از مهارت‌های قرن بیست و یکم تفاوت وجود دارد.

سؤال اصلی پژوهش:

دانش‌آموزان پایه پنجم ابتدایی شهر تهران به چه میزان از مهارت‌های ارتباطی، تفکری (انتقادی و خلاق)، پژوهشگری بهره‌مند هستند؟

سؤالات فرعی پژوهش:

۱. به چه میزان به بهره‌مندی دانش‌آموزان پایه پنجم ابتدایی شهر تهران از مهارت‌های کاربرد فناوری اطلاعات و ارتباطات (فاوا) توجه شده است؟
۲. به چه میزان به بهره‌مندی دانش‌آموزان پایه پنجم ابتدایی شهر تهران از مهارت‌های برقراری ارتباط (درون فردی و میان فردی) توجه شده است؟
۳. به چه میزان به بهره‌مندی دانش‌آموزان پایه پنجم ابتدایی شهر تهران از مهارت‌های تفکر انتقادی و نوآورانه تحصیلی توجه شده است؟
۴. به چه میزان به بهره‌مندی دانش‌آموزان پایه پنجم ابتدایی شهر تهران از مهارت‌های پژوهشگری توجه شده است؟

۵. آیا میان دانش‌آموزان دختر و پسر پایه پنجم ابتدایی شهر تهران از نظر میزان بهره‌مندی از مهارت‌های ارتباطی، تفکری و پژوهشگری تفاوت وجود دارد؟
۶. آیا بین میزان بهره‌مندی از انواع مهارت‌های ارتباطی، تفکری و پژوهشگری، میان دانش‌آموزان پایه پنجم ابتدایی شهر تهران (دختر و پسر) تفاوت وجود دارد؟

روش

پژوهش حاضر از نظر دسته‌بندی کلی پژوهش‌ها، کاربردی است. چرا که یافته‌های آن می‌تواند راه‌گشای مسئولان تعلیم و تربیت در امور تربیتی و گنجاندن یافته‌های این پژوهش در آموزش و پرورش باشد. و از لحاظ طرح پژوهشی، توصیفی و پیمایشی است، زیرا در صدد است تا چیزی را توصیف کند که در جامعه آماری موجود است. در این پژوهش جامعه آماری تمامی دانش‌آموزان دختر و پسر پایه پنجم ابتدایی است که در شهر تهران در سال ۹۰-۹۱ مشغول به تحصیل بودند. به دلیل وسیع بودن جامعه آماری در این پژوهش از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چند مرحله‌ای استفاده شد؛ بدین صورت که ابتدا فهرستی از مناطق نوزده‌گانه آموزشی شهر تهران تهیه شد و از بین این فهرست ۴ منطقه از غرب و شرق و جنوب و شمال انتخاب شد و سپس از مناطق انتخابی، از هر منطقه دو مدرسه یک مدرسه پسرانه و یک مدرسه دخترانه به صورت کاملاً تصادفی انتخاب شد. در مدارس نیز از بین چند کلاس پنجم، از هر کلاس ۱۰ دانش‌آموز برای ارائه آزمون انتخاب شدند. واحد نمونه‌گیری اصلی در این نمونه‌گیری خوشه‌ای چند مرحله‌ای مدرسه بود به این صورت که مناطق ۴، ۵، ۱۱ و ۲ به عنوان مناطق نمونه انتخاب شد. تعداد کل دانش‌آموزانی که از بین این مناطق چهارگانه آزمون شدند ۲۸۵ (۱۴۵ پسر و ۱۴۰ دختر) نفر بودند.

ابزارهای پژوهش عبارت بودند از:

۱. پرسشنامه کاربرد فناوری اطلاعات و پژوهشگری: این پرسشنامه محقق ساخته با استفاده از ویژگی‌های کاربرد فناوری در آموزش ابتدایی و ویژگی‌های پژوهشگران آموزش ابتدایی با راهنمایی اساتید راهنما و مشاور ساخته شد و اساتید محترم روایی صوری این پرسشنامه را نیز با بررسی مجدد تأیید کردند. پایایی این پرسشنامه به روش بازآزمایی در بین

۴۰ دانش‌آموز دختر و پسر با یک هفته فاصله محاسبه شد. همبستگی بین دو آزمون ۰/۸۰ اطمینان به دست آمد.

۲. پرسشنامه خلاقیت: این پرسشنامه از دو بخش تشکیل شده است که بخش اول شامل پرسشنامه نگرش نسبت به خلاقیت که برگرفته از پرسشنامه نگرش نسبت به خلاقیت چارلز. لی. فیشر^۱ (۲۰۰۳) است که در بین گروه‌های دانش‌آموزان پایه چهارم و پنجم ابتدایی مدارس دولتی شهر پولتین نیویورک اجرا شده بود و جواب‌های آن در دو بخش بلی و خیر تنظیم شده است. بخش دوم این پرسشنامه برگرفته از پرسشنامه سنجش خلاقیت تورستون، میلن جر^۲ (۱۹۹۶)، است، که یک پرسشنامه نیمه نهان مربوط به خلاقیت است و می‌تواند برای تشخیص خلاقیت بالقوه در افراد به کار می‌رود و شامل جواب‌های بلی، خیر است. و از این پرسشنامه ۱۰ سؤال انتخاب شده است که برای دانش‌آموزان ابتدایی متناسب باشد، چرا که این پرسشنامه برای همه پایه‌ها و حتی بزرگسالان تهیه شده است. پایایی این پرسشنامه از روش دو نیمه کردن (با روش زوج و فرد) برای دو گروه کودکان پایه پنجم با SPSS به روش اسپیرمن محاسبه شده است، ضرایب محاسبه شده برای گروه اول ($n=31$) برابر ۰/۸۱ و برای گروه دوم ($n=41$) برابر ۰/۷۵ است. روایی محتوایی پرسشنامه را اساتید محترم راهنما و مشاور بررسی و پس از ارزیابی مجدد تأیید کردند.

۳. پرسشنامه روابط درون فردی و بین فردی: این پرسشنامه از آزمون هوش هیجانی باران ترجمه سموعی گرفته شده است که از میان مؤلفه‌های آن سؤالات مربوط به روابط درون فردی و بین فردی انتخاب و در پرسشنامه مربوطه قرار داده شد، تا متناسب با ویژگی شناختی دانش‌آموزان پایه پنجم ابتدایی تدوین شود (به این صورت که بعضی از ادبیات‌ها و اصطلاحات تغییر کردند ۱۰ سؤال اول شامل سؤالات ارتباط بین فردی و ۱۰ سؤال دوم شامل ارتباط درون فردی است. پایایی پرسشنامه با استفاده از SPSS با روش آلفای کرونباخ برای دانش‌آموزان پسر ۰/۷۴ و برای دختران ۰/۷۲ محاسبه شد. روایی این پرسشنامه را نیز با روش روایی محتوایی، اساتید مشاور و راهنما بررسی و پس از ارزیابی مجدد تأیید کردند.

1. Charlz. Lee. Fisher
2. Toreston. Mellin

۴. پرسشنامه سنجش تفکر انتقادی: این آزمون برگرفته از آزمون محقق‌ساخته شعبانی (۱۳۸۰) است که دربارهٔ کودکان پایه چهارم ابتدایی ساخته شده بود و شش مهارت قضاوت، استدلال، ارزشیابی، مقایسه، پیش‌بینی و مهارت مشاهده را در دانش‌آموزان می‌سنجد و از این آزمون ۱۵ سؤال متناسب با ویژگی شناختی دانش‌آموزان پایه پنجم ابتدایی انتخاب شد و روایی آزمون نیز که قبلاً تأیید شده بود و باز هم اساتید ارزیابی و تأیید کردند و پایایی آزمون طبق اندازه‌گیری شعبانی با روش بازآزمایی با ۸۵٪ محاسبه شده است. و پژوهشگر نیز دربارهٔ ۱۵ سؤال انتخابی با روش بازآزمایی در میان ۳۰ دانش‌آموز دختر و پسر با استفاده از نرم‌افزار spss با ۸۰٪ محاسبه شد.

با عنایت به اینکه پرسشنامه‌ها شامل چهار وضعیت است؛ یعنی واحد گویه‌ها از ۱، ۲، ۳، ۴، ۵ است، برای هر گویه چهار وضعیت وجود دارد که کم‌ترین نمره ۱ و بیش‌ترین نمره فرد در آن گویه ۵ است.

| خیلی زیاد | زیاد | متوسط | کم | خیلی کم |
|-----------|------|-------|----|---------|
| ۵ | ۴ | ۳ | ۲ | ۱ |

یافته‌ها

سؤال اصلی

دانش‌آموزان پایه پنجم ابتدایی شهر تهران تا چه اندازه از مهارت‌های ارتباطی، تفکری (انتقادی و خلاق)، پژوهشگری بهره‌مند هستند؟ در زیر با استفاده از آزمون t مستقل میزان بهره‌مندی دانش‌آموزان پایه پنجم ابتدایی شهر تهران از مهارت‌ها، ارائه شده است. بررسی‌ها نشان داد که میزان توجه به آموزش این مهارت‌ها، با توجه به نتایج به‌دست آمده از نظر میزان بهره‌مندی دانش‌آموزان ابتدایی از این مهارت‌ها پایین است. در جدول زیر میزان بهره‌مندی دانش‌آموزان از هر یک از مهارت‌ها به تفکیک ارائه شده است.

جدول ۱: آزمون t مستقل میزان بهره‌مندی از مهارت‌ها در میان دانش‌آموزان

| مهارت‌ها | آزمون t | میانگین | درجه آزادی | اختلاف میانگین‌ها | سطح معناداری |
|--------------------|---------|---------|------------|-------------------|--------------|
| کاربرد فناوری فاوا | ۱۱۲.۳۲ | ۵۳۲۲.۲ | ۲۸۴ | ۶۸۴۵۶ | ۰/۰۰۱ |
| ارتباط بین فردی | ۷۸۳.۴ | ۱۶۲۰.۴ | ۲۸۴ | ۰۱۹۸۶.۲ | ۰/۰۰۱ |
| ارتباط درون فردی | ۱۱۲.۳ | ۴۳۴۰.۲ | ۲۸۴ | ۶۸۴۵۶ | ۰/۰۰۱ |
| تفکر انتقادی | ۵۹۴.۱۳ | ۲۲۸۶.۳ | ۲۸۴ | ۴۲۶۸.۱ | ۰/۰۰۱ |
| تفکر خلاق | ۳۱۵.۹ | ۵۱۶۰.۳ | ۲۸۴ | ۶۶۵۲.۱ | ۰/۰۰۱ |
| پژوهشگری | ۷۶۵.۷ | ۴۵۴۰.۲ | ۲۸۴ | ۴۰۴.۱ | ۰/۰۰۱ |

توجه به اطلاعات به دست آمده در جدول نتایج به شرح زیر است:

۱. با توجه به پایین بودن میانگین نمونه از میانگین جامعه و معنادار نبودن آزمون در سطح ۰/۰۱ مشخص می‌شود که میزان توجه به آموزش مهارت کاربرد فناوری اطلاعات در دانش‌آموزان پایه پنجم ابتدایی کم است و آن‌ها از نظر بهره‌مندی از این مهارت زیر متوسط قرار دارند.
۲. با توجه به بالا بودن میانگین نمونه از میانگین جامعه و معنادار بودن آزمون در سطح ۰/۰۱ مشخص می‌شود که به آموزش مهارت ارتباط بین فردی در دانش‌آموزان پایه پنجم ابتدایی توجه شده و آن‌ها از نظر بهره‌مندی از این مهارت در حد متوسط رو به بالا قرار دارند.
۳. با توجه به پایین بودن میانگین نمونه از میانگین جامعه و معنادار نبودن آزمون در سطح ۰/۰۱ مشخص می‌شود که میزان توجه به آموزش مهارت ارتباط درون فردی در دانش‌آموزان پایه پنجم ابتدایی کم است و آن‌ها از نظر بهره‌مندی از این مهارت زیر متوسط قرار دارند.
۴. با توجه به برابر بودن میانگین نمونه از میانگین جامعه و معنادار بودن آزمون در سطح ۰/۰۱ مشخص می‌شود که میزان توجه به آموزش مهارت تفکر انتقادی در دانش‌آموزان پایه پنجم ابتدایی متوسط است و آن‌ها از نظر بهره‌مندی از این مهارت در حد متوسط قرار دارند.
۵. با توجه به برابر بودن میانگین نمونه از میانگین جامعه و معنادار بودن آزمون در سطح ۰/۰۱ مشخص می‌شود که میزان توجه به آموزش مهارت تفکر انتقادی در

دانش‌آموزان پایه پنجم ابتدایی متوسط است و آن‌ها از نظر بهره‌مندی از این مهارت در حد متوسط قرار دارند.

۶. با توجه به پایین بودن میانگین نمونه از میانگین جامعه و معنادار نبودن آزمون در سطح ۰/۰۱ مشخص می‌شود که میزان توجه به آموزش مهارت پژوهشگری در دانش‌آموزان پایه پنجم ابتدایی کم است و آن‌ها از نظر بهره‌مندی از این مهارت زیر متوسط قرار دارند.

در جدول زیر تفاوت در میان دانش‌آموزان پسر و دختر از نظر بهره‌مندی از مهارت‌ها بررسی شد که با استفاده از آزمون t مستقل نتایج به شرح زیر است.

جدول ۲: تفاوت میزان بهره‌مندی دانش‌آموزان از مهارت‌ها بر اساس جنس

| نوع مهارت | گروه | تعداد | میانگین | انحراف معیار | مقدار t | درجه آزادی | سطح معناداری |
|------------------|--------|-------|---------|--------------|---------|------------|--------------|
| ارتباط بین فردی | دختران | ۱۴۰ | ۲/۸۷ | ۱/۱۴ | -۱/۹۹ | ۲۷۸ | P<۰/۰۴۷ |
| | پسران | ۱۴۰ | ۳/۱۴ | ۱/۰۷ | | | |
| ارتباط درون فردی | دختران | ۱۴۰ | ۲/۸۶ | ۰/۹۳۸ | -۱/۱۰ | ۲۷۸ | P<۰/۲۶۹ |
| | پسران | ۱۴۰ | ۳/۰۰ | ۱/۱۰ | | | |
| فناوری | دختران | ۱۴۰ | ۲/۸۴ | ۰/۷۶۲ | ۰/۵۰۵ | ۲۷۸ | P<۰/۶۱۴ |
| | پسران | ۱۴۰ | ۲/۷۹ | ۰/۹۶۹ | | | |
| تفکر خلاق | دختران | ۱۴۰ | ۳/۵۵ | ۰/۸۱۰ | ۲/۵۱ | ۲۷۸ | P<۰/۰۱۲ |
| | پسران | ۱۴۰ | ۳/۳۰ | ۰/۸۵۹ | | | |
| تفکر انتقادی | دختران | ۱۴۰ | ۲/۳۵ | ۰/۹۷۱ | -۰/۴۳۱ | ۲۷۸ | P<۰/۰۶۶ |
| | پسران | ۱۴۰ | ۲/۴۰ | ۰/۹۶۹ | | | |
| پژوهشگری | دختران | ۱۴۰ | ۲/۷۱ | ۰/۸۳۰ | -۱/۱۳ | ۲۷۸ | P<۰/۲۵۷ |
| | پسران | ۱۴۰ | ۲/۸۱ | ۰/۶۶۱ | | | |

نتایج جدول ۲ نشان‌دهنده این است که در مهارت‌های بین فردی و تفکر خلاق بین دختران و پسران تفاوت وجود دارد. در ارتباطات بین فردی، میانگین پسران ($M=۳/۱۴$ $SD=۱/۰۷$) به‌طور معناداری ($t=-۱/۹۹$ $p<۰/۰۴۷$) بیش‌تر از دختران ($M=۲/۸۷$ $SD=۱/۰۷$) است. در مهارت تفکر خلاق نیز میانگین دختران ($M=۳/۳۰$ $SD=۰/۸۵۹$) به‌طور معناداری ($t=۲/۵۱$ $P<۰/۰۱۲$) بالاتر از پسران ($M=۳/۵۵$ $SD=۰/۸۱۰$) است.

بحث و نتیجه‌گیری

امروزه با توجه به تغییرات مفهوم سواد و پیشرفت روز افزون علم و تکنولوژی جهانی کار برنامه‌ریزان درسی و آموزشی نیز مشکل‌تر شده است، چرا که در این عرصه جامعه نیاز به افرادی دارد که طیف کاملی از دانش و مهارت را برای رویارویی با فناوری جهانی داشته باشند، تا بتوانند با استفاده از این مهارت‌ها نیازهای خود را برای دسترسی و دستیابی به اطلاعات مورد نیاز رفع کنند و به‌طور کلی راه یادگیری، دستیابی، تجزیه و تحلیل و انتقال دانش را بدانند تا قادر باشند خود را با تغییرات به روز جهان تطبیق کنند. به گفته‌ی الوین تافلر (۲۰۰۶) بی‌سوادان قرن بیست و یکم آن‌هایی نیستند که نمی‌توانند بخوانند و بنویسند، بلکه آن‌هایی هستند که ۱. نمی‌توانند یاد بگیرند؛ ۲. نمی‌توانند آن‌چه را یاد گرفته‌اند در ذهن خود جاسازی و بایگانی کنند و با استفاده به موقع از آن‌ها، مطالب جدید را آسان‌تر و سریع‌تر بیاموزند (به نقل از حجتی، ۱۳۸۸). علاوه بر این نظر، باید توجه داشت که به واسطه تخصصی شدن دانش در لایه‌های متعدد و متنوع هر موضوع از علم، یادگیری تنها در حد اطلاع و آگاهی از موضوع، هرچند در سطحی گسترده، چندان به کار انسان امروزی نمی‌آید. آن‌چه برای انسان این قرن کارساز است، کسب مهارت در سطوح متفاوت دانش و لایه‌های تخصصی هر موضوع از یک سو و کسب مهارت‌های اجتماعی از سوی دیگر است (تک نگاشت؛ ۱۳۸۷). یونسکو به منظور تحقق توسعه انسانی برای تعلیم و تربیت در قرن بیست و یکم، برای یادگیری چهار محور اساسی را پیشنهاد می‌دهد تا براساس آن پایه‌های دانش در طی زندگی اشخاص شکل بگیرد.

این چهار محور به شرح زیر است:

- ۱- « یادگیری چگونه دانستن » که ابزارهای درک و شناخت را در اختیار می‌گذارد؛ ۲- « یادگیری چگونه انجام دادن » به گونه‌ای که بتوان در محیط به صورت خلاق عمل کرد؛ ۳- « یادگیری زندگی با دیگران » به گونه‌ای که بتوان در تمامی فعالیت‌های بشری با افراد دیگر مشارکت و همکاری داشت؛ ۴- « یادگیری چگونه بودن » پیشرفتی که ناشی از سه مرحله قبلی است (ژاک، ۱۳۷۶). به علاوه، با توجه به آن که در قرن بیست و یکم فناوری حرف اول را می‌زند و به‌طور مستمر رو به رشد و پیشرفت است، لذا کسب مهارت‌های لازم در به‌کارگیری

فنون کاربرد فناوری‌های نو، لازمه کسب موفقیت در زندگی اجتماعی است. که آموزش و پرورش به عنوان یک نهادی که وظیفه آماده‌سازی دانش‌آموزان برای ورود به جامعه در حال تغییر را دارد باید عهده‌دار این امر خطیر با توجه به این نوآوری‌ها در سطح بین‌المللی باشد. و نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که تعلیم و تربیت ما هنوز توجه اساسی به این مسئله نداشته و کماکان با آموزش و پرورش حافظه محور به دانش‌آموزان تعلیم می‌دهد و این باید تغییر یابد و به آموزش و پرورش تفکر محور مبتنی بر مهارت‌ها شود.

یافته‌های پژوهش نشان می‌دهند که دانش‌آموزان پایه پنجم ابتدایی شهر تهران از جهت میزان بهره‌مندی مهارت‌های تفکر انتقادی، خلاق، ارتباط درون فردی در حد متوسط قرار دارند و در بهره‌مندی از مهارت فناوری اطلاعات و پژوهشگری زیر متوسط و فقط در بهره‌مندی از مهارت ارتباط بین فردی کمی بالاتر از متوسط هستند. همچنین نتایج آزمون t مستقل نشان داد که در مهارت‌های بین فردی پسران به‌طور معناداری از دختران دارای میانگین بالاتری هستند ($P < 0/047$) و در تفکر خلاق دختران میانگین بالاتری نسبت به پسران داشتند ($P < 0/012$). و این نتایج یعنی میزان توجه به آموزش این مهارت‌ها در مقطع ابتدایی پایین بوده که در این زمینه مسئولان آموزشی کشور باید فکر اساسی داشته باشند و سعی کنند با گنجانیدن این مهارت‌ها در قالب کتاب‌های درسی روند رو به رشدی برای یادگیری این مهارت‌ها در دانش‌آموزان ایجاد کنند.

لطفی (۱۳۸۹) در پژوهشی با عنوان میزان توجه به سواد اطلاعاتی در درسنامه بخوانیم و بنویسیم دوره ابتدایی به این نتیجه می‌رسد که به سواد اطلاعاتی در این درسنامه‌ها توجه کمی می‌شود و از این حیث با این پژوهش همسو است. در رابطه با مهارت ارتباط بین فردی و درون فردی نیز پژوهش محمدی عمران (۱۳۸۹) که میزان بهره‌مندی از این مهارت‌ها را بررسی کرده است به این نتیجه رسید که دانش‌آموزان به میزان متوسط از این مهارت‌ها بهره‌مند هستند و همسو با این پژوهش است. در رابطه با مهارت‌های تفکری انتقادی نیز پژوهش شعبانی (۱۳۸۴) نشان داد که دانش‌آموزان پایه چهارم ابتدایی شهر تهران در سطح متوسط رو به پایین از مهارت تفکر انتقادی بهره‌مند هستند و برای افزایش این مهارت روش تدریس حل مسئله را پیشنهاد می‌کند و نتایج او با پژوهش کنونی همسو است، درباره تفکر خلاق نیز جهانی (۱۳۸۷) آموزش تفکر خلاق به نوجوانان، رویکرد پژوهش محور، به این نتیجه می‌رسد که دانش‌آموزان

در سطح متوسطی از مهارت تفکر خلاق هستند و برای افزایش آن استفاده از رویکرد پژوهش محور را پیشنهاد می‌دهد و از این حیث همسو با این پژوهش است.

در رابطه با مهارت پژوهشگری با توجه به اینکه دانش‌آموزان پایه پنجم ابتدایی شهر تهران به میزان کم‌تر از متوسط، از مهارت پژوهشگری بهره‌مند هستند نیز ساکی (۱۳۸۶) در پژوهشی با عنوان «مدرسه پژوهنده؛ وحدت بخش سطوح مختلف پژوهش آموزشی» به این نتیجه می‌رسد که روحیه پژوهشگری باید در دانش‌آموزان ابتدایی تقویت شود و هم اکنون در سطح کمی هستند و از این حیث همسو با نتایج پژوهش حاضر است.

میزان خلاقیت دانش‌آموزان دختر بیش‌تر از دانش‌آموزان پسر است؛ این نتیجه با پژوهش‌های اسعدی (۱۳۸۶) و مشایخ و برزیده (۱۳۸۹) همسو است مبنی بر اینکه میزان خلاقیت دانش‌آموزان دختر بیش‌تر از پسران است و با نتایج پژوهش‌های (کوکبی، مکتبی‌فر (۱۳۸۹) و پیاو^۱ (۲۰۱۰) مغایرت دارد، چرا که آن‌ها در یافته‌های خود دانش‌آموزان پسر را خلاق‌تر از دانش‌آموزان دختر یافته بودند.

امروزه با توجه به تغییرات مفهوم سواد و پیشرفت روزافزون علم و تکنولوژی جهانی، کار برنامه‌ریزان درسی و آموزشی نیز مشکل‌تر شده است، چرا که در این عرصه جامعه نیاز به نیرویی دارد که از طیف کاملی از دانش و مهارت، برای رویارویی با فناوری جهانی، بهره‌مند باشند، تا بتوانند با استفاده از این مهارت‌ها نیازهای خود را برای دسترسی و دستیابی به اطلاعات مورد نیاز رفع کنند و به‌طور کلی راه‌یادگیری، دستیابی، تجزیه و تحلیل و انتقال دانش را بدانند تا قادر باشند خود را با تغییرات به روز جهان تطبیق کنند. و همان‌طور که می‌دانیم پایه همه مهارت‌ها از دوران ابتدایی آغاز می‌شود تا بتوان آن را در دوره‌های بعدی بسط و گسترش داد. لذا این پژوهش مهارت‌های لازم را در پایه پنجم ابتدایی مطالعه کرده که آخرین پایه این دوره است و دانش‌آموزان در این دوره با مهارت‌های لازم آشنایی پیدا می‌کنند. با توجه به منابع اندک در این زمینه پیشنهاد می‌شود در آینده پژوهش‌های گسترده‌تری روی مؤلفه‌های به‌کار برده شده در این پژوهش در میان دانش‌آموزان ابتدایی اجرا شود. همچنین به دلیل اینکه حوزه آموزش یکی از حوزه‌هایی است که به شدت تحت تأثیر فرایند جهانی

شدن و الزامات آن قرار گرفته است، نیاز به داشتن نظام آموزشی پویا، کارآمد و البته منطبق با نیازهای جدید امروز بیش از هر زمان دیگری ضرورت آن به اثبات رسیده است و با توجه به نتایج به‌دست آمده مشخص شد که دانش‌آموزان پایه پنجم ابتدایی شهر تهران به میزان متوسط رو به پایین از مهارت‌ها بهره‌مند هستند، لذا پیشنهاد می‌شود که وزارت آموزش و پرورش برای گنجاندن مهارت‌های یادگیری قرن ۲۱ در محتوای برنامه درسی و تجهیز معلمان به این مهارت‌ها کوشش کند و مدرسه باید با مسئله مذکور تطابق بیش‌تری یابد. در کنار مزایایی که فناوری اطلاعات و ارتباطات به‌وجود آورده، چالش‌هایی را فراروی آموزش و پرورش قرار داده است که از آن جمله می‌توان به روند تصاعدی رشد دانش، فشار جهانی برای آموزش و مسئله بی‌سوادی، تغییر الگوهای تجارت اشاره کرد. برای اینکه تعلیم و تربیت ما بتواند خود را با این تغییرات و چالش‌ها وفق دهد، باید بتواند از مهارت فناوری اطلاعات در آموزش استفاده کند و با توجه به نتایج پژوهش مبنی بر ضعف دانش‌آموزان و مدارس ما در استفاده از این مهارت‌ها، پیشنهاد می‌شود که نظام آموزشی، مدارس و پس از آن معلمان را به مهارت و امکانات مجهز کند و از طرفی کتاب‌های آموزشی نیز برای مقطع ابتدایی در این زمینه تألیف شود. به اعتقاد مازلو «برترین و گسترده‌ترین یا جامع‌ترین سطح آگاهی انسان، رفتار و نحوه ارتباط او با خود، دیگران، طبیعت و هستی به‌عنوان غایات است و نه اینکه از آن‌ها به‌عنوان ابزارهای ارتباطی استفاده کند» (به نقل از بازرگان، ۱۳۸۹، ص ۵۵-۵۹). در جهان امروز، به این نوع ارتباطات با توجه به رشد تکنولوژی و فناوری باید بیش از گذشته توجه شود و در دهه‌های گذشته نظریاتی از قبیل (انسان‌گرایانه و ماورای فردی) در زمینه برنامه‌ریزی درسی شکل گرفته که مرکز ثقل خود را ارتباط (درون و بین فردی دانش‌آموزان قرار داده‌اند و با توجه به نتایج پژوهش مبنی بر اینکه دانش‌آموزان از ارتباط درون فردی کمی بهره‌مند هستند، پیشنهاد می‌شود که در تدوین برنامه درسی دانش‌آموزان ابتدایی مهارت‌های این ارتباط در پایه‌های مختلف گنجانده شود تا دانش‌آموزان به سطح خودآگاهی بالایی در پایان مقطع ابتدایی برسند و همچنین گذاشتن دوره آموزش این مهارت‌ها در میان معلمان ضرورت می‌یابد، چرا که لازمه این کار داشتن معلمان آگاه از این مهارت‌ها است. در جهان امروز بیش از پیش به پژوهش در مدرسه و کلاس درس توجه شده و پژوهش با آموزش همراه و همگام شده است. پژوهش‌ها و گزارش‌های ارائه شده درباره نظام آموزش و پرورش ژاپن حاکی از آن است که

پژوهش از دوره پیش دبستانی و ابتدایی وارد فرایند آموزش شده است (لوئیس^۱؛ ۲۰۰۶) و با توجه به پایین بودن سطح مهارت پژوهشی در دانش‌آموزان پنجم ابتدایی شهر تهران پیشنهاد می‌شود که برای افزایش این مهارت در دانش‌آموزان ابتدا مراکز تربیت معلم سعی کنند به معلم‌ها آموزش‌های لازم برای آگاهی و بهره‌مندی از این مهارت را ارائه دهند و به عبارتی معلم پژوهنده را برای پرورش دانش‌آموز پژوهنده پرورش دهند و سپس در مدارس تجهیزات لازم برای پژوهش دانش‌آموزان فراهم کنند.



منابع

- آقازاده، احمد (۱۳۸۳). *مسائل آموزش و پرورش ایران*، تهران: سمت.
- ابراهیمی قوام، صغری (۱۳۸۶). *تعلیم و تربیت در قرن ۲۱. فصلنامه توسعه، نشریه دانشکده اداری*.
- اسعدی، سمانه (۱۳۸۶). *بررسی روند تحول خلاقیت در کودکان چهار تا ده ساله شهر اصفهان، تازه‌های علوم شناختی، سال ۹، شماره ۴*.
- بازرگان، سیمین (۱۳۸۹). *خلاصه مقالات همایش ملی مهندسی اصلاحات در آموزش و پرورش، ص ۵۵*.
- تری اندرسون، گریسون (۱۳۸۳). *یادگیری الکترونیکی در قرن بیست و یکم، ترجمه عطاران، محمد تهران: توسعه فناوری آموزشی مدارس هوشمند*.
- (۱۳۷۸). «آموزش و پرورش برای قرن بیست و یکم»، گروه مترجمان پژوهشکده تعلیم و تربیت، تک نگاشت، شماره ۲۷ وزارت آموزش و پرورش، ص ۱۳.
- پریخ، مهری (۱۳۸۹). *آموزش سواد اطلاعاتی: مفاهیم، روش‌ها و برنامه‌ها؛ مشهد: کتابدار. جهانی؛ جعفر (۱۳۸۷). آموزش تفکر خلاق به نوجوانان رویکرد پژوهش‌محور؛ اندیشه‌های نوین تربیتی؛ تهران؛ دانشگاه الزهراء، دوره ۳، شماره ۳*.
- حجتی، الهام. (۱۳۸۸). *مهارت‌های مورد نیاز معلمان در عصر دانایی، مجموعه مقالات سمینار همایش معلمان در عصر دانایی. صص ۱۱۸-۱۳۳*.
- زمانی، بی بی عشرت (۱۳۸۳). *فناوری اطلاعات و ارتباطات در برنامه درسی مقطع ابتدایی کشور کانادا، برنامه درسی در عصر فناوری اطلاعات و ارتباطات، تهران: آبیژ.*
- زارعی زوارکی، اسماعیل (۱۳۸۰). *مقاله تکنولوژی اطلاعات در هند، سال دوم. شماره ۲- دهلی نو- نمایندگی وزارت علوم و تحقیقات*.
- ژاک (۱۳۷۶). *یادگیری گنج درون، ترجمه دفتر همکاری‌های علمی و بین‌المللی وزارت آموزش و پرورش، تهران: یونسکو*.
- ساکي، رضا (۱۳۸۹). *درس پژوهی: راهبردی برتر معلمان برای تحول در مدرسه و کلاس‌های درس، ویژه‌نامه پژوهش؛ صص ۳۷-۳۹*.

- ساکی، رضا (۱۳۸۶). مدرسه پژوهنده؛ وحدت بخش سطوح مختلف پژوهش آموزشی، ویژه‌نامه پژوهش؛ ص ۱۹.
- سلیمی، نادر (۱۳۸۸). گروه فناوری اطلاعاتی اطلاعاتی و کاربردی، مؤسسه آموزش و پرورش هنک کنگ، ویژه‌نامه پژوهش، ص ۴۵.
- شعبانی، حسن (۱۳۸۴). تأثیر روش حل مسئله به صورت کارگروهی بر روی تفکر انتقادی و پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان پایه چهارم ابتدایی شهر تهران، رساله دکتری دانشگاه تربیت مدرس.
- قلتاش، میرزایی و عباس، حسن (۱۳۹۱). تحلیل محتوای برنامه درسی مطالعات اجتماعی مقطع ابتدایی ایران از منظر توجه به ویژگی‌های شهروند جهانی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه خوارسگان.
- کوکبی، مرتضی و مکتبی فرد، لیلا (۱۳۸۹). بررسی مهارت‌های تفکر انتقادی در داستان‌های کودکان و نوجوانان، مطالعات ادبیات کودکان، شماره ۲ ص ۱۵۷.
- گلمن، دانیل (۱۳۹۱). هوش اجتماعی؛ ترجمه حمیدرضا بلوچ، تهران: جیحون.
- گیل، دیوید و همکاران (۱۳۸۴). الفبای ارتباطات، ترجمه رامین کریمیان و همکاران، تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌ها.
- سیلور، جی.، گالن، الکساندر، ویلیام ام و لوئیس، آرتور جی. (۱۳۸۷). برنامه‌ریزی درسی برای آموزش و یادگیری بهتر، ترجمه غلامرضا خوی نژاد. مشهد: به نشر.
- لطفی، ناهید (۱۳۸۹). میزان توجه به سواد اطلاعاتی در درسنامه بخوانیم و بنویسیم دوره ابتدایی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علامه طباطبایی.
- لوئیس؛ کترین (۱۳۸۸). آموزش قلب‌ها و اندیشه‌ها، ترجمه افشین منش و ایل بیگی؛ تهران: سازوکار.
- محمدیان عمران، مریم (۱۳۸۹). تعیین وضعیت موجود و مطلوب بهره‌مندی از مهارت‌های قرن بیست و یکم در دانشجویان مقطع کارشناسی ارشد دانشکده‌های علوم انسانی دانشگاه علامه طباطبایی در سال تحصیلی ۸۹-۸۸. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علامه طباطبایی.
- مشایخ، پری و برزیده و ام البنین (۱۳۸۹). بررسی تأثیر سبک رفتار رهبری معلم بر خلأقیّت

- دانش‌آموزان ابتدایی شهرستان کازرون؛ فصلنامه اندیشه‌های تازه در علوم تربیتی، سال ششم شماره ۱، ص ۱۳۱ .
- مشایخ، فریده (۱۳۸۶). مهارت‌های قرن بیست و یکم، دو ماهنامه گرایش کامپیوتر، سال ۲۹ شماره ۱۷۷ صص ۶۳.
- مفیدی فرخنده (۱۳۸۳). آموزش و پرورش پیش‌ابتدایی و ابتدایی، تهران: دانشگاه پیام نور.
- مولانا، ناصر (۱۳۸۷). آموزش مادام‌العمر، نشریه مدیریت سال دوم، شماره ۴ .
- مهر محمدی محمود (۱۳۸۷). برنامه درسی نظرگاه‌ها، رویکردها و چشم‌اندازها، تهران: سمت.
- مهر محمدی، محمود (۱۳۷۹). جستارهایی در پژوهش در قلمرو آموزش و پرورش، پژوهشنامه تعلیم و تربیت: تهران: تعلیم و تربیت.
- هارجی، اون - ساندرز، کریستین و ریکسون، دیوی (۱۳۷۷). مهارت‌های اجتماعی در ارتباطات بین فردی. ترجمه خشایار بیگی و مهرداد فیروز بخت. تهران: رشد.
- قدمی، مجید (۱۳۸۹). مصاحبه با هفته‌نامه پژوهش؛ دی ماه.
- Alfassi, M. (2000). Using information and communication to foster literacy and facilitate discourse with in the classroom. *Education media Information*, 37, 137-148.
- Andrad & David. (2009). *21 st century skills by DavAndrad i*. (<http://proquest.umi. Com>).
- Anglix(2010). Guiding students in to information literacy: strategies for teacher. (<http://proquest.umi. Com>).
- Central Regional Educational Laboratory and the Metiri Group (2006).en Gauge 21st Century Skills: Literacy in the Digital Age([www. ncrel. Org](http://www.ncrel. Org)).
- Chuang.j.(2009). The relationship wbtween junior higher school teachers critical thinking skills with information literacy and their integration of information technology into curriculum in Taivan.
- De bono. w.(2007). *How to have creative ideas:63 exercises to develop the mind*, published by ebury press, London.
- Eisner, E. (1994). *The Educational Imagination*. Third Edition. NewYork.
- Fisher, A. (2003). *Critical Thinking: An Introduction*. Cambridge Cambridge University Press.
- Hoost danine(2009). Sterategist for teaching criticathinking.(<http://proquest.umi. Com>).
- (<http://www.isi.org.ir/magezin/177/www.ncrel.org/engauge/skills/agelearn>).
- (<http://www.tebyan.net/newindex.aspx?pid=127267>).
- M.. Baum & Phyllis.(2010).*Instructional Design as Critical and Creative Thinking* MacMillan Publishing Company.

- Matthews & Michael,(2006). *science teaching*, London, pp. 137. 161.
- PIAW. I &YILDRIM. A (2010). TEACHER VIEW ABOUT ETHICAL LEADERSHIP BEHAVIOUR OF PIRMARY DIRECTION. SCHOOL. PROCEDIA OF SOCIAL# BEHAVIORAL SCIECES, 2. 4010-4014
- Robbins, S & Hunsaker, P.(2007). *creative thinking :8 steps to improve your persuasive skills*,(august 28th,2007-k3mp).
- Scout, tomask(2010). Thinking like a scientist.([http://proquest.umi. Com](http://proquest.umi.Com)).

